گفته‌های مرواریدی

**بقلم:**

**محمد ریگی کوته**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | گفته‌های مرواریدی | | | |
| **نویسنده:** | محمد ریگی کوته | | | |
| **موضوع:** | اخلاق اسلامی - مواعظ و حکمت‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | تیر (سرطان) 1396 هـ.ش - شوال 1438 هـ.ق | | | |
| **منبع:** | کتابخانه قلم www.qalamlib.com | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ قلم دانلود شده است.**  **www.qalamlib.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@qalamlib.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.qalamlib.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |
| **محتوای ​این کتاب لزوما بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم​ ​نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه ​نویسنده آن است.** | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc449308985)

[مقدمه 3](#_Toc449308986)

[گفته‌های مرواریدی 5](#_Toc449308987)

[سازندگان تاریخ 5](#_Toc449308988)

[چه کسی را عبادت کنیم؟ 5](#_Toc449308989)

[عبور از صراط 6](#_Toc449308990)

[مهندسی وجود 6](#_Toc449308991)

[زندگی مشترک 7](#_Toc449308992)

[گشایش حساب 8](#_Toc449308993)

[امروز و فردا 8](#_Toc449308994)

[سلاح امید 9](#_Toc449308995)

[آزاده کیست؟ 9](#_Toc449308996)

[باشگاه خودسازی 10](#_Toc449308997)

[ما چرا نو نشویم؟ 10](#_Toc449308998)

[بهار عمر 11](#_Toc449308999)

[پروانه دل 11](#_Toc449309000)

[آینه دل 12](#_Toc449309001)

[خاکریز ایمان 12](#_Toc449309002)

[در کلاس عمر 13](#_Toc449309003)

[برای که زندگی کنیم؟ 13](#_Toc449309004)

[آخر خط 13](#_Toc449309005)

[مسابقه زندگی 14](#_Toc449309006)

[کالای معیوب 14](#_Toc449309007)

[رنگین کمان نیایش 15](#_Toc449309008)

[گمشده کیست؟ 15](#_Toc449309009)

[اگر عاشق می‌شوی... 15](#_Toc449309010)

[دام و دانه 16](#_Toc449309011)

[شعله‌های گناه 16](#_Toc449309012)

[گل‌های زندگی 17](#_Toc449309013)

[دربانی دل 17](#_Toc449309014)

[خود یافتگان 18](#_Toc449309015)

[اولین و آخرین اشتباه 18](#_Toc449309016)

[سوت پایان مسابقه 19](#_Toc449309017)

[نوار عمر 19](#_Toc449309018)

[قطار زمان 19](#_Toc449309019)

[ماهواره ملکوت 20](#_Toc449309020)

[سخن و سکوت 20](#_Toc449309021)

[قیمت عشق 21](#_Toc449309022)

[پرونده 21](#_Toc449309023)

[تا رسیدن به قله... 22](#_Toc449309024)

[دل و دیده 22](#_Toc449309025)

[کوچکی و بزرگی 23](#_Toc449309026)

[دوربین مدار بسته 23](#_Toc449309027)

[نگاه و گناه 23](#_Toc449309028)

[فرصت شهریور 24](#_Toc449309029)

[از ولادت تا مرگ 24](#_Toc449309030)

[تلخ و شیرین 25](#_Toc449309031)

[کتاب درمانی 25](#_Toc449309032)

[رای دادگاه 26](#_Toc449309033)

[عینک واقع بینی 26](#_Toc449309034)

[خط فاصله 27](#_Toc449309035)

[انتخاب دوست 27](#_Toc449309036)

[بینش و بینایی 28](#_Toc449309037)

[آب صبر بر آتش خشم! 28](#_Toc449309038)

[اول خویش بعد درویش! 29](#_Toc449309039)

[زکات زینت و زیبایی! 30](#_Toc449309040)

تقدیم به کسی‌که....

در این اواخر دیدن چهره‌اش برایم آرزو شده بود. دیدن شکستن غرورش، سنگِ دلم را خورد می‌کرد. آن چیزی که توانِ تحرک و تکلم را از او سلب کرده بود تصادف نبود، رنج دلش بود، حرف‌های نگفته‌اش بود، غم سینه اش بود. حیف که هم صحبت خوبی نبودم. حیف که حسرت بهتر بودنم تا ابد خواهد ماند. آخرین نگاهش را به یاد خواهم سپرد؛ همان نگاهی که از بین جمعیت گذشت و در کنارِ قبرستان با نگاهم گره خورد. فرق داشت آن نگاهِ سنگینش. تصور تنها بودنش هنگام پر کشیدنش، بال‌هایم را پرپر می‌کند. شاید آخرین آرزویش خداحافظی با میوه‌های زندگیش بود اما هم‌چون همیشه ناکام. چند سالی بود که دیدنِ او آشوبِ دلم بود.

اما....

خوشحالم که راحت شد، بد حالم که دیگه نیست.

آری تقدیم به پدر عزیز و مهربانم که دیگر در بین ما نیست ولی با وجود رفتن یادش همیشه در دل

خواهد ماند.

****

و تقدیم به کسانی که بعد رفتن پدرم دلگرم به وجود آنها هستم:

«مادرم، برادرانم و خواهرانم»

تقدیر و تشکر

سپاس بی‌شمار، پروردگار یکتایی را سزاست که، وصف کننده‌ها از شناسایی و تعریف و توصیف او عاجزند، و عظمت و جلالش، اندیشه و خرد برترین اندیشمندان و خِردمندان را زبون و ناتوان کرده است.

تقدیر و تشکر می‌کنم از همه عزیزانی که در زمینه دست به قلم شدنم مشوق من بوده‌اند و در سخت ترین شرایط زندگی رهایم نکردند. امیدوارم که با نوشتن این رساله کوچک بتوانم قطره‌ای از زحماتشان را جبران کنم.

مقدمه

الحمد لِله الذي بعث إلينا أشرفَ الرٌّسُلِ داعياً إلى اقوَمِ السُّبُلِ وجَعَل أصحاباً له وُزَرَاءَه في عَهدِه وخلفاءَهُ مِن بعدِه لِتَتم النعمة وتَعُمُّ الرّحمة وَأشهدُ أنَّ لا إله إلا الله وحدَه وأشهدُ أنَّ محمداً عبدهُ ونبيُّه الذي لانبيَّ بَعدَهُ صلى الله وسلَّمَ عليه وعلى آله وصحبه أجمعين.

تشنگی دل و جان ما را معارف اسلام سیراب می‌کند.

گنجینه پایان ناپذیر آیات قرآن از سرمایه‌های عظیم و ماندگاری است که به لطف الله متعال برای هدایت گری و روشن کردن زندگی ما نازل شده است. از دوران نزول قرآن کریم قرن‌ها می‌گذرد اما ما هنوز توفیق بهره بردن از آن را داریم.

سخنان قرآن آنچنان عمیق، زیبا، کاربردی و فصیح است که چشم دل را مبهوت می‌سازد. زیرا منبع نزول آن، ناظر به همه ادوار و به تناسب همه مخاطبان و دردها و نیازها، راه حل و درمان ارائه فرموده است. از این رو کلمات قرآن دلنشین و روح پرور و مایه عبرت و سرمشق زندگی است.

باری، آنچه پیش رو دارید، قطره‌ای از اقیانوس بیکران منبع هستی است؛ مرواریدهای بر گرفته از کلمات کلام وحی است که با ترجمه و توضیحی مختصر، تقدیم می‌شود؛ دسته گلی است معطر، از بوستان با طراوت و همیشه سرسبز و خوشبوی معارف الهی.

سعی شده است آیاتی برگزیده شود که بیشتر حالت کاربردی و نقش آفرینی در رفتار روز مره و صحنه‌های زندگیمان داشته باشد، با توضیحاتی روان و خودمانی، که بیشتر و بهتر بتواند با مخاطبان و خوانندگان، رابطه بر قرار سازد.

با شد که فروغ کلام وحی، زوایای تاریک زندگی و دلمان را روشن سازد و در سایه رهنمودهای حضرتش، «راه» را روشنتر ببینیم و «هدفِ» زندگی را از یاد نبریم....ان شاء الله العزیز.

پیشاپیش از خوانندگان عزیز و گرامی تقاضا می‌شود هرگونه کمی و کاستی را به بزرگواری خویش بر ما ببخشایند و ما را از راهنمایی‌های استادانه خویش محروم نسازند و انتقادهای سازنده خویش را برای ما ايميل كنند.

[Aminrigi61@yahoo.com](mailto:Aminrigi61@yahoo.com)

در پایان از همه خوانندگان عزیز التماس دعا دارم.

ولاحول ولاقوة إلا بالله وهو المستعان و علیه التکلان

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

محمد ریگی کوته

زاهدان 6 اردیبهشت 1392

گفته‌های مرواریدی

سازندگان تاریخ

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ٦٩﴾ [النمل: 69].

ترجمه: «بگو: در زمين بگرديد و بنگريد فرجام گنه‏پيشگان چگونه بوده است».

در «محراب پاکی» پیشوای پاکان باشید. بگذارید از زبان و رفتار شما «خوبی» بجوشد و به خانه‌ی دل‌های دیگران جاری شود. بعضی ساخت تاریخ‌اند، بعضی سازنده تاریخ. شما از کدام گروه هستید؟

با عمل‌های خود دعوتگر مردم باشید.

چه کسی را عبادت کنیم؟

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٦٢﴾ [الأنعام:162].

ترجمه: بگو: «در حقيقت، نماز من و [ساير] عبادات من و زندگى و مرگ من، براى خدا، پروردگار جهانيان است».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ٥١﴾ [آل عمران: 51].

ترجمه: «در حقيقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستيد [كه‏] راه راست اين است».

برای آنکه عصا زنان در کوچه پس کوچه‌های عمر، در پی «جوانی گمشده» مان نگردیم امروز قدر جوانی را بدانیم، هر کسی بی‌هدف زندگی کند هرچه پیش می‌رود از هدف اصلی دورتر می‌شود. «هدف شناسی» به عمر ما برکت می‌دهد و به حرکت ما «جهت» می‌بخشد.

عبور از صراط

﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا٧١ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيّٗا٧٢﴾ [مريم: 71-72]

«و هیچ یک از شما نیست؛ مگر آن که وارد آن (= جهنم) شود، این (وعده) بر پروردگارت فرمانی حتمی (و شدنی) است \* سپس کسانی را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم، و ستمکاران را به زانو در آمده در آن رها می‌کنیم».

بهشت آن سوی رود خروشان گناه است. آنان که در این دنیا، با تمرین و ممارست، چشم پوشی از گناه را به راحتی انجام می‌دهند، در آخرت هم از «صراط» که بر روی جهنم است، با سرعت و سلامت خواهند گذشت. اللهم اهدنا الصراط المستقیم.

مهندسی وجود

﴿وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ٢١﴾ [الذاريات: 21]

«و [نیز] در وجود شما [نشانه‌هایی است] آیا نمی‌بینید؟»

﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَ لَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ٥٣﴾ [فصلت: 53]

«به زودی نشانه‌‌های خود را در آفاق و در نفس خود‌‌شان به آن‌ها نشان خواهیم داد، تا برای آن‌ها روشن گردد که او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟!»

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ٢٧﴾ [الزمر: 27].

ترجمه: «و در اين قرآن از هر گونه مَثَلى براى مردم آورديم، باشد كه آنان پندگيرند».

اگر بتوانیم در «هندسه وجود» خویش، شکل مطلوبی ترسیم کنیم، ما هم مهندسیم.

اگر دایره تلاشمان بر محور «نقطه ایمان» باشد، از «بی شکلی» رها می‌شویم. با تدبر و دور اندیشی، برای خود «هدف» و « آینده» ای ترسیم کنیم. آینده نگری قبل از عمل جلوی پشیمانی را می‌گیرد.

زندگی مشترک

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٢١﴾ [الروم: 21].

ترجمه: «و از نشانه‏هاى او اينكه از [نوع‏] خودتان همسرانى براى شما آفريد تا بدانها آرام گيريد، و ميانتان دوستى و رحمت نهاد. آرى، در اين [نعمت‏] براى مردمى كه مى‏انديشند قطعاً نشانه‏هايى است».

ازدواج تنها در آمدن از «تنهایی» نیست، بلکه رسیدن به همدلی و همراهی و همروحی است. خیلی وقت ها، عشق‌های تجاری و عشق‌های اتوبوسی و شناخت‌های تلفنی و اینترنتی سر از «ناکجا آباد» در می‌آورد. کانون مقدس خانواده را روی ریگزارهای هوس و زمین سست و بی‌دوام بنا نکنیم. نباید زیبای زن را به دینداری او ترجیح داد.

گشایش حساب

﴿هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمۡنُنۡ أَوۡ أَمۡسِكۡ بِغَيۡرِ حِسَابٖ٣٩﴾ [ص: 39].

ترجمه: «[گفتيم]: «اين بخشش ماست، [آن را] بى‏شمار ببخش يا نگاه دار».

﴿وَالْعَصْرِ١ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ٢ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ٣﴾ [العصر: 1-3] «سوگند به عصر \* که انسان در (خسران و) زیان است\* مگر کسانی‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش نموده، و یکدیگر را به صبر سفارش کرده‌اند».

آیا بر عمر از دست رفته هم، به اندازه پول گمشده، غصه می‌خوریم؟

آیا به اندازه «سلامت جسم» به «سلامت روح» می‌اندیشسیم؟

قدر لحظه لحظۀ عمرمان را بدانیم و برایش حساب باز کنیم.

عمرمان را در آنچه برایمان باقی نمی‌ماند تباه نکنیم.

امروز و فردا

﴿يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ١١٤﴾ [آل‌عمران:114].

ترجمه: «به خدا و روز قيامت ايمان دارند و به كار پسنديده فرمان مى‏دهند و از كار ناپسند بازمى‏دارند و در كارهاى نيك شتاب مى‏كنند، و آنان از شايستگانند».

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ٤٦﴾ [فصلت: 46]

«هر کس‌که کار شایستۀ انجام دهد، پس به سود خود اوست، و هر کس بدی کند، پس به زیان اوست، و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند».

کسانی که «امروزشان» را به امید «فردا» می‌گذرانند فردایشان هم به حسرت «دیروز» خواهد گذشت.

بُرد با کسی است که از دوران فراغت، برای ایام گرفتاری بهره جویید و از ایام جوانی برای دوران پیری و ضعف ذخیره سازی کند. کار هر روز را همان روز انجام دهیم و برای فردایش نگذاریم.

سلاح امید

﴿وَلَا تَاْيۡ‍َٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡ‍َٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [يوسف: 87].

ترجمه: «از رحمت خدا نوميد مباشيد، زيرا جز گروه كافران كسى از رحمت خدا نوميد نمى‏شود».

همه راه‌ها به «نمی شود» ختم نمی‌شود. همه کوچه‌ها هم به «بن بست» نیست. انسان بی‌امید، رزمنده خلع سلاح شده‌ای است که به راحتی در برابر هجوم سپاه سختی‌ها تسلیم می‌شود.

هیچ وقت «سلاح امید» را از دست ندهیم. چون هر امیدواری جوینده است.

آزاده کیست؟

﴿فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنۡهَا مَن لَّا يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ١٦﴾ [طه: 16].

ترجمه: «مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوای نفسش پیروی کرده است تو را از آن باز دارد،آن گاه هلاک شوی».

﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ٢٣﴾ [الجاثية: 23]

«آیا دیده‌ای کسی را که معبود خود را هوای (نفسانی) خویش قرار داد، و الله از روی علم او را گمراه کرد، و بر گوشش و دلش مهر نهاد، و بر دیده اش پرده قرار داد؟! پس (اگر الله هدایتش نکند (چه کسی بعد از الله اورا هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟!».

آن‌کس که اسیر «خویشتن» است، اسیر «دشمن» هم می‌شود. آزاده کسی است که از دام خواهشات نفس رها شده، مالک دنیا و ثروت باشد، نه مملوک و برده آن! آزاده واقعی همان بنده واقعی خداست! برده واقعی همان آزاده دنیایی است!.

باشگاه خودسازی

﴿أَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيۡهِ وَكِيلًا٤٣﴾ [الفرقان: 43].

ترجمه: «آيا آن‌كس كه هواىِ [نفس‏] خود را معبود خويش گرفته است ديدى؟ آيا [مى‏توانى‏] ضامنِ او باشى؟»

باید به «باشگاه خودسازی» رفت و با تمرین «اراده» را تقویت کرد. یکی از تمرین ها رها ساختن «دل» از اسارت «هوس» است. اوراقِ «پرونده دل» را ورق بزنیم و صفحه به صفحه در جستجوی آفت ها باشیم و به دنبال درمان آنها برویم. اگر پیروی از هوای نفس کنی، تو را کر و کور می‌سازد!

ما چرا نو نشویم؟

﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾ [النور: 31].

ترجمه: «اى مؤمنان، همگى [از مرد و زن‏] به درگاه خدا توبه كنيد، اميد كه رستگار شويد».

«بهار» رستاخیزی است که حیات را از «گور طبعیت» بیرون می‌آورد. «بهار» غزل زیبای طبعیت و آیتی از قدرت خداست. وقتی با رسیدن بهار، طبعیت «نو» می‌شود. ما چرا نو نشویم؟

ناتوان‌ترین مردم کسی است که از اصلاح خویش عاجز باشد.

بهار عمر

﴿نَّحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ نَبَأَهُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى١٣﴾ [الكهف: 13].

ترجمه: «ما خبرشان را بر تو درست حكايت مى‏كنيم: آنان جوانانى بودند كه به پروردگارشان ايمان آورده بودند و بر هدايتشان افزوديم»

آنان که «سرمایه جوانی» را هدر می‌دهند، نصیب آنان در آینده عمرشان جزء «بار حسرت» و «میوه ندامت» نخواهد بود.

جوانی بهار عمر است. دریغا اگر بلور شفاف جوانی را با «سنگ غفلت» بشکنیم. خداوند دوست می‌دارد جوانی را که جوانی خود را در راه خدا می‌گذراند.

پروانه دل

﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا٢٨﴾ [الفرقان: 28].

ترجمه: «اى واى، كاش فلانى را دوست [خود] نگرفته بودم»

پروانه دل‌تان را به سوی هر گلی نفرستید. دوستی با یک معتاد، مسلول و جذامی، سالم را هم مریض می‌کند. معاشرت با آدم‌هایی حریص، حسود، لاابالی و گناه‌کار هم آدم را به‌همین دردها مبتلا می‌کند. تا می‌توان با گل‌های معطر دوست شد. چرا همنشینی با زباله‌های متعفن؟ همان تنهایی بهتر است از اینکه با چنین کسانی دوست باشیم.

آینه دل

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ٢٨﴾ [الرعد: 28].

ترجمه: «همان كسانى كه ايمان آورده‏اند و دل‌هايشان به ياد خدا آرام مى‏گيرد. آگاه باش كه با ياد خدا دلها آرامش مى‏يابد»

آنکه چهره، جان را در «چشمه ذکر» می‌شوید، اهل صفا می‌شود. غفلت آینه دل را تیره می‌سازد. کدام خشتِ تیره تا کنون جلوگاه فروغ خورشید بوده است؟ دل‌ها را روشن نگه داریم تا نور خدا در آنها بتابد. و با یاد خدا دل‌هایمان را شفا دهیم.

خاکریز ایمان

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ٢﴾ [الأنفال: 2].

ترجمه: «مؤمنان، همان كسانى‏اند كه چون خدا ياد شود دلهايشان بترسد، و چون آيات او بر آنان خوانده شود بر ايمانشان بيفزايد، و بر پروردگار خود توكّل مى‏كنند».

یک جوان بی‌ایمان، خلوتی گناه آلود دارد. تنهایمان را با «حضور خدا» پُر کنیم. تا جایی برای شیطان نماند. در سنگر عقیده موضع بگیریم، تا شیطان نتواند «خاکریز ایمان» را خراب کند و به منطقه دلمان وارد شود. با یاد خدا طرد شیطان امکانپذیر است ولاغیر.

در کلاس عمر

﴿قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ أَعۡمَٰلًا١٠٣﴾ [الكهف: 103].

ترجمه: «بگو: آيا شما را از زيانكارترين مردم آگاه گردانم؟».

در کلاس عمر، هرکس را یک بار می‌نشانند ودرس می‌دهند و امتحان می‌گیرند. ما اکنون سر کلاس نشسته‌ایم، کارنامه اعمال ما را در قیامت به دست ما می‌دهند، خدا کند از مردودان و شرمساران آن روز نباشیم. با نیکوکاری به عمرمان برکت دهیم.

برای که زندگی کنیم؟

﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ﴾ [النساء: 80].

ترجمه: «هر كس از پيامبر فرمان بَرَد، در حقيقت، خدا را فرمان برده است».

ادامه راه خطا، تنها بخاطر حرف مردم، دلیل ضعف اراده است. مگر برای مردم زندگی می‌کنیم؟

کار نیکو ره توشه، خوبی است برای سفر آخرت.

باید معمار جان خویش بود و نقشه را از خدا و رسول گرفت و خانه‌ای ابدی ساخت.

آخر خط

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ١١﴾ [الأنعام: 11].

ترجمه: «بگو: در زمين بگرديد، آن گاه بنگريد كه فرجام تكذيب‏كنندگان چگونه بوده است؟».

«تجربه» آینه زلالی است که خیلی از حقیقت‌ها را در آن می‌توان دید. تجربه، چراغ راه زندگی است. این چراغ را روشن نگه داریم و در پرتو آن، راه را بهتر بپماییم. ثمره تجربه گزینش خوب است.

مسابقه زندگی

﴿فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ١٤٨﴾ [البقرة: 148].

ترجمه: «پس در كارهاى نيك بر يكديگر پيشى گيريد. هر كجا كه باشيد، خداوند همگى شما را [به سوى خود باز] مى‏آورد در حقيقت، خدا بر همه چيز تواناست».

زندگی مجموعه‌ای از اوج‌ها و فرود‌ها است زندگی مسابقه‌ای است همگانی، همیشگی، و سراسری. در این مسابقه چه کسی می‌برد و چه کسی می‌بازد؟...

اصلا برد در مسابقه زندگی به چیست و باخت به چیست؟

کالای معیوب

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ٤٧﴾ [الأنفال: 47].

ترجمه: «و مانند كسانى مباشيد كه از خانه‏هايشان با حالت سرمستى و به صرف نمايش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز مى‏داشتند، و خدا به آنچه مى‏كنند احاطه دارد».

کارهای ریا، همان اجناس خراب است، خدا که مشتری اعمال ماست، جز «متاع خوب» و «عمل خالص» را نمی‌پذیرد. خوب و بد کالاها را هم خوب می‌شناسد! خداوند عملی را که ذره‌ای ریا در آن باشد را نمی‌پذیرد. پس.... چرا ریا و تظاهر؟

رنگین کمان نیایش

﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ٥٥﴾ [الأعراف: 55].

ترجمه: «پروردگار خود را به زارى و نهانى بخوانيد كه او از حد گذرندگان را دوست نمى‏دارد».

وقتی آسمان دلتان می‌گیرد و هوای چشمتان ابری می‌شود، بهار اشک ریختن است و باریدن.

باید قدر قطره‌های اشک را دانست. گاهی یک قطره اشک دوزخی را خاموش می‌کند!

گمشده کیست؟

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ١٩﴾ [الحشر: 19].

ترجمه: «و چون كسانى مباشيد كه خدا را فراموش كردند و او [نيز] آنان را دچار خودفراموشى كرد آنان همان نافرمانانند».

هرچه گمشده شما گرانبهاتر باشد، هم غصه از دست دادنش سنگین‌تر است، هم شادی به دست آوردنش بیشتر. آیا شده است که پس از مدتی خود گم کردگی، به «خود یابی» رسیده باشید؟ وقتی انسان جهانی می‌ارزد، چرا باید خود را حراج کرد؟؟

اگر عاشق می‌شوی...

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ٣٠﴾ [النور: 30].

ترجمه: «به مردان با ايمان بگو: «ديده فرو نهند و پاكدامنى ورزند، كه اين براى آنان پاكيزه‏تر است، زيرا خدا به آنچه مى‏كنند آگاه است».

اگر دل می‌سپاری، به‌چیزی بسپار که بیارزد. اگر عاشق می‌شوی، عشقت به چیزی باشد که از خودت ارزشمندتر باشد. اگر می‌خواهی دل هوس بی‌جا نکند چشم خود را کنترل کن.

دام و دانه

﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ٣٦﴾ [الروم: 36].

ترجمه: «و چون مردم را رحمتى بچشانيم، بدان شاد مى‏گردند و چون به [سزاى‏] آنچه دستاورد گذشته آنان است، صدمه‏اى به ايشان برسد، بناگاه نوميد مى‏شوند».

باید از پس«دانه»ها، «دام»ها را شناخت و از پشتِ ماسک‌ها، چهرهای اصلی را دید. آنان که می‌خواهند با «گناه» تفریح کنند، دو برابر آن به رنج روحی و عذاب وجدان گرفتار می‌شوند. بعضی‌ها معصیت را با تفریح، عوضی می‌گیرند!

شعله‌های گناه

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ٨٢﴾ [البقرة: 82].

ترجمه: «و كسانى‌كه ايمان آورده، و كارهاى شايسته كرده‏اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند».

«خانه آخرت» در همین دنیا ساخته می‌شود، معمار آن نیز خودمان هستیم و مصالح آن عمل‌های ماست. کارهای خوبمان برای ما بهشت می‌سازد و کارهای بدمان تبدیل به شعله‌های درزخ خواهد شد. باغ و بوستانی را که با«عمل صالح» در بهشت برای خودمان ساخته و پرداخته‌ایم، با شعله‌های گناه به آتش نکشیم!

گل‌های زندگی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ٦﴾ [التحريم: 6].

ترجمه: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، خودتان و كسانتان را از آتشى كه سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ كنيد، بر آن [آتش‏] فرشتگانى خشن [و] سختگير [گمارده شده‏]اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپيچى نمى‏كنند و آنچه را كه مأمورند انجام مى‏دهند»

«خانواده» یک بوستان و مزرعه است.«پدر و مادر»، باغبان و گل کارند. «فرزندان» هم شکوفه‌های این باغ و میوه‌های این بوستان و مزرعه‌اند. از این گل‌ها مواظبت کنیم تا پژمرده نشوند و به تاراج نروند. یادمان باشد بهترین میراثی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند ادب است.

دربانی دل

﴿وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا﴾ [الكهف: 28].

ترجمه: «و از آن‌كس كه قلبش را از ياد خود غافل ساخته‏ايم و از هوس خود پيروى كرده و [اساس‏] كارش بر زياده‏روى است، اطاعت مكن».

«دل» هم می‌تواند خانه خدا باشد، هم می‌تواند پایگاه شیطان. اگر بخواهی ابلیس به خانه دلت راه نیابد و آن را اشغال نکند، این خانه را به خدا بسپار. دربان دلت باش تا اشغال نشود. روشنی این دل‌ها با یاد خدا و تلاوت قرآن است.

خود یافتگان

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ٢١﴾ [البقرة: 21].

ترجمه: «اى مردم، پروردگارتان را كه شما، و كسانى را كه پيش از شما بوده‏اند آفريده است، پرستش كنيد باشد كه به تقوا گراييد».

خوشا به‌حال آنان که می‌دانند «کیستند» و «چیستند» و «چند می‌ارزند». هیچ شناختی مانند خودشناسی نیست. «خودیافته» کسی است که از منزل و مأوای خویش باخبر باشد و بداند که از کجا آمده و آمدنش بهر چه بود؟ راستی آخر به کجا می‌رویم؟

اولین و آخرین اشتباه

﴿قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ١٣٧﴾ [آل عمران: 137].

ترجمه: «قطعاً پيش از شما سنّتهايى [بوده و] سپرى شده است. پس، در زمين بگرديد و بنگريد كه فرجام تكذيب‏كنندگان چگونه بوده است؟».

گاهی اولین اشتباه آخرین اشتباه هم هست. یعنی یک لغزش در زندگی و خطا در محاسبه و اشتباه در تصمیم گیری، چنان سرانجام شومی دارد که زندگی را تباه می‌کند و فرصتی هم برای جبران نمی‌ماند. استفاده از تجارب دیگران، عقل مضاعف و حیات مجدد است.

سوت پایان مسابقه

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ٣٤﴾ [الأعراف: 34].

ترجمه: «و براى هر امّتى اجلى است پس چون اجل‌شان فرا رسد، نه [مى‏توانند] ساعتى آن را پس اندازند و نه پيش».

مرگ، داوری است که ناگهان پا به مسابقه می‌گذارد و سوت پایان مسابقه را به صدا در می‌آورد، حتی یک دقیقه هم بازی را تمدید نمی‌کند. در آخر کار باید دید که برنده و بازنده کیست؟؟ زیان کار و خسران دیده کسی است که عمرش را باخته باشد.

نوار عمر

﴿وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَاۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ١١﴾ [المنافقون: 11].

ترجمه: «و هركس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخير نمی‌اندازد، و خدا به آنچه مى‏كنيد آگاه است».

ما با روزگار در حال داد و ستد هستیم. او از ما عمر و جوانی و نیرو می‌گیرد. ما از او چه می‌گیریم و چه گرفته‌ایم؟ روزی که «نوار عمر» به پایان برسد. امکان بازگرداندن آن به اول نیست. فرصت را دریاب قبل از آنکه مایه اندوه شود.

قطار زمان

﴿فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ٢٣﴾ [يونس: 23].

ترجمه: «پس چون آنان را رهانيد، ناگهان در زمين بناحقّ سركشى مى‏كنند. اى مردم، سركشى شما فقط به زيان خود شماست. [شما] بهره زندگى دنيا را [مى‏طلبيد]. سپس بازگشت شما به سوى ما خواهد بود. پس شما را از آنچه انجام مى‏داديد با خبر خواهيم كرد».

دنیا «ریل» بلند و قدیمی است که «قطار زمان» از آن می‌گذرد ما هم «مسافریم» از روستای دنیا به شهر آخرت! پشیمانی وقتی است که ببینیم توشه‌ای بر نداشته‌ایم و دست خالی آمده‌ایم.

ماهواره ملکوت

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ١٠ كِرَامٗا كَٰتِبِينَ١١ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ١٢﴾ [الانفطار: 10-12]

ترجمه: «و قطعاً بر شما نگهبانانى گماشته شده‏اند، فرشتگان‏ بزرگوارى كه نويسندگان [اعمال شما] هستند، آنچه را مى‏كنيد، مى‏دانند».

شیطان سعی می‌کند رابطه اهل دعا و نماز را با مرکز هستی قطع نمایید. این مکالمات نباید قطع و وصل شود چرا که صفحه زندگی ما با «ماهواره‌های ملکوت» برای آسمانیان «رصد» می‌شود. آنجا برترین‌ها انتخاب و جایزه داده می‌شوند.

سخن و سکوت

﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا٦٣﴾ [الفرقان: 63].

ترجمه: «و بندگان خداى رحمان كسانى‏اند كه روى زمين به نرمى گام برمى‏دارند و چون نادانان ايشان را طرف خطاب قرار دهند به ملايمت پاسخ مى‏دهند».

سکوت خوب است، اما حرف مفید بهتر از سکوت است! هم برای حرف زدن باید تمرین داشت و هم برای سکوت کردن. پس زبان و سخن را در اختیار داشته باشیم.

قیمت عشق

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَ‍َٔابِ١٤﴾ [آل عمران: 14].

ترجمه: «دوستىِ خواستني‌هاى [گوناگون‏] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سيم و اسب‏هاى نشاندار و دام‌ها و كشتزار[ها] براى مردم آراسته شده، [ليكن‏] اين جمله، مايه تمتّع زندگى دنياست، و [حال آنكه‏] فرجام نيكو نزد خداست».

عشق، «معراج» عاشق است. آنکه عشق و هوس را باهم اشتباه می‌گیرد، در منجلاب و پستی می‌ماند. عشق‌های برتر، انسان را از عشق‌های پست دور می‌کند. بعضی‌ها به‌نام عشق، دل را به هرکه از راه می‌رسد می‌فروشند!!

پرونده

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا١٠ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا١١ وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا١٢﴾ [النبأ: 10-12].

ترجمه: «و شب را [براى شما] پوششى قرار داديم. و روز را [براى‏] معاش [شما] نهاديم. و بر فرازِ شما هفت [آسمان‏] استوار بنا كرديم».

گذشت شب و روز و سپری شدن هفته‌ها و ماه‌ها، برای ما «پرونده» و «کارنامه» تشکیل می‌دهد. کارنامه سال گذشته را مرور کنیم، تا چهره جان و صورت رفتار خویش را«آینه اعمال» خود بنگریم در فرصت باقی مانده، چه باید کرد که «بهترین کار» باشد؟؟

تا رسیدن به قله...

﴿وَٱلۡعَصۡرِ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ٣﴾ [العصر: 1-3].

ترجمه: «سوگند به عصرِ [غلبه حقّ بر باطل‏]، كه واقعاً انسان در زیانکاری است مگر كسانى كه ایمان آورده‌اند و كارهاى شايسته كرده و همديگر را به حقّ سفارش و به شكيبايى توصيه كرده‏اند».

خوب بودن، دست یافتن به «قله» است. بد بودن، حرکت به‌سمت دره و باتلاق است. آنچه هنر است، دست یابی به قله و صعود به ارتفاعات کمال است نه غلتیدن به دره‌های هولناک معصیت!

دل و دیده

﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡ‍ُٔولٗا٣٦﴾ [الإسراء: 36]

«و از آنچه به آن علم نداری، پیروی نکن، بدون شک گوش و چشم و دل، هر یک از این‌ها از آن باز خواست خواهند شد».

دو طفل معصوم «دل» و «دیده» را به حال خودشان رها مکن، که یا گم می‌شوند، یا به‌دامن غریبه‌ها می‌افتند. دل را از محبت خدا پر کنیم، تا جایی برای محبت شیطان نماند.

کوچکی و بزرگی

﴿وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ١٢٤﴾ [طه: 124].

ترجمه: «و هر كس از ياد من روی گردان شود، در حقيقت، زندگىِ تنگ [و سختى‏] خواهد داشت، و روز رستاخيز او را نابينا محشور مى‏كنيم».

پیمودن راه دراز «خاک» تا «خدا» با بال نماز و پرواز عشق میسر است، در آستان خدا هرکه خاضع‌تر و بنده‌تر است، مقرب‌تر و کامل‌تر است. تا «بنده» نشویم «آزاده» نمی‌شویم و...

تا کوچک نشویم به عظمت و بزرگی نمی‌رسیم.

دوربین مدار بسته

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ١٨﴾ [ق: 18]

«هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه نزدش مراقبی حاضر (و آماده نوشتن) است».

دوربین‌های مخفی و مدار بسته الهی، در همه ساعات شبانه روز، و در همه‌جا و در همه‌حال، از ما تصویر می‌گیرند و ثبت می‌کنند. حواسمان باشد ما را زیر نظر دارد غافل نباشیم! از هر کاری که در پنهان انجام می‌شود، ولی از آنجام آشکار آن خجالت می‌کشیم، بپرهیزیم.

نگاه و گناه

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡ﴾ [النور: 30].

ترجمه: «به مردان با ايمان بگو: ديده فرو نهند و پاكدامنى ورزند».

«نگاه» را مهار کن، تا به «گناه» نیفتی، امیر نگاهت باش تا اسیر گناهت نشوی. وقتی لکه‌های غفلت و گناه، صفحه سفید دل را تیره می‌سازد و سنگ معصیت، آینه نجابت را می‌شکند، باید هوشیار بود.

چشم‌ها دام‌های شیطان است.

فرصت شهریور

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٧٠﴾ [الفرقان: 70].

ترجمه: «مگر كسى كه توبه كند و ايمان آورد و كار شايسته كند. پس خداوند بدي‌هايشان را به نيكي‌ها تبديل مى‏كند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است».

میدان وسیع روشنایی، آن سوتر از «چاه گناه» است، تنها یک گام می‌خواهد. آن هم «توبه» است. توبه مثل امتحان شهریور ماه، فرصتی است برای جبران کاستی‌ها و خطاها. تا در توبه باز است باید به خدا روی آورد، خوشا اشک‌های چشم توبه کاران نادم! مگر نه اینکه توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه نکرده است؟؟

از ولادت تا مرگ

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ٢﴾ [الملک: 2].

ترجمه: «همان كه مرگ و زندگى را پديد آورد تا شما را بيازمايد كه كدامتان نيكوكارتريد، و اوست ارجمند آمرزنده».

آنان که زندگی را تنها در فاصله میان ولادت تا مرگ خلاصه می‌کنند، خیلی زود به «پوچی» می‌رسند. ما با مرگ تمام نمی‌شویم. منکران رستاخیز چون مرگ را پایان خط می‌بینند، خیلی زود بی‌انگیزه و نا امید می‌شوند. عقیده به‌معاد، هم زندگی ما را پر بار می‌کند؟ هم به آن جهت می‌بخشد. مرگ آغاز است نه پایان! مرگ دروازه آخرت است!

تلخ و شیرین

﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا﴾ [آل‌عمران: 103].

ترجمه: «و همگى به ريسمان خدا چنگ زنيد، و پراكنده نشويد و نعمت خدا را بر خود ياد كنيد: آن‌گاه كه دشمنان [يكديگر] بوديد، پس ميان دل‌هاى شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شديد».

کسی‌که از «چاپلوسی» دیگران لذت می‌برد، باید انتظار شنیدن «دروغ» و «تهمت» را هم داشته باشد. کسی‌که از تجربه‌های دیگران درس بگیرد عُمری چند باره می‌کند. کسی‌که تلخی تفرقه و جدایی را نچشیده باشد، طعم شیرین وحدت و همدلی را نمی‌فهمد. پس خردمند کسی است که تجربه‌ها او را پند دهد.

کتاب درمانی

﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ١﴾ [العلق: 1].

ترجمه: «بخوان به نام پروردگارت كه آفريد».

کتابخانه، معبد اهل دانش و محراب مقدس علم آموزی است. کمبود مطالعه، یک عارضه منفی است که باید به درمان آن پرداخت. کم خونی «رگ های ایمان» را با مطالعه آثار خوب جبران کنیم، قرآن تنها یک کتاب نیست! بلکه یک کتاب‌خانه بزرگ است، کتاب‌ها بوستان دانشمندانند.

رای دادگاه

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٢٠﴾ [فصلت: 20].

ترجمه: «تا چون بدان رسند، گوش‌شان و ديدگان‌شان و پوست‌شان به آنچه مى‏كرده‏اند، بر ضدّشان گواهى دهند».

قیامت یک دادگاه عمومی است. قاضی این دادگاه، «خداوند» است. افزون بر علم و آگاهی خداوند، چشم و گوش و دست و زبان و اعضای ما هم «شاهد» این محکمه‌اند. زد وبند هم ممکن نیست ودروغ هم نمی‌توان گفت. کسی‌که زیاد به یاد آخرت باشد، گناه‌کاری او کم می‌شود. رای دادگاه را حدس بزنید!!

عینک واقع بینی

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ﴾ [الحجرات: 12].

ترجمه: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، از بسيارى از گمان‌ها بپرهيزيد كه پاره‏اى از گمان‌ها گناه است».

عینک خوش بینی زدن، زشت‌ها را هم نیکو جلوه می‌دهد. عینک بدبینی، بی‌جهت دشمنی و حسادت و عداوت پدید می‌آورد و دوستی‌ها را به هم می‌زند. خوشبینان بیش از حد زود فریب می‌خورند. بدبینان افراطی هم همیشه در عذابند و از همه ترسان و گریزان. چه زیباست «عینک واقع بینی» و دوری از افراط و تفریط. بدگمانی کارها را خراب می‌کند و بدی‌ها را برمی انگیزد.

خط فاصله

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ٢١﴾ [النور: 21].

ترجمه: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، پاى از پى گامهاى شيطان منهيد، و هركس پاى برجاى گام‌هاى شيطان نهد [بداند كه‏] او به زشتكارى و ناپسند وامى‏دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هيچ‌كس از شما پاک نمى‏شد، ولى [اين‏] خداست كه هركس را بخواهد پاک مى‏گرداند و خدا [ست كه‏] شنواىِ داناست».

نگذاریم بین خودمان و خدا فاصله بیفتد. که گم شویم. نگذاریم شیاطین، رشته پیوند میان بندگان و خداوند را پاره کند. که وصل دوباره دشوار است. بجای «خط فاصله» بکوشیم «واو عاطفه» باشیم نزدیک‌ترین دوستی، دوستی دل‌ها است.

انتخاب دوست

﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا٢٨﴾ [الفرقان: 28].

ترجمه: «واى بر من، كاش فلان را دوست نمى‏گرفتم».

در اینکه هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار حرفی نیست! در این هم که انتخاب دوست، هنر است و هنر بزرگ‌تر نگهداشتن دوست است، سخنی نیست.

مهم‌تر از همه داشتن معیار در انتخاب دوست است. دوستانی انتخاب کنید که با فکر و فرهنگ وباورهای دینی و سنت‌های ارزشمند مکتبی و ملی شما متناسب باشد ، وگرنه چهره زندگی و اخلاق اجتماعی شما زشت و ناهماهنگ خواهد شد.

کسی‌که به ایمان و اخلاق و تعهد شما آسیب برساند، «وصله ناجور» بر اندام شماست!

بینش و بینایی

﴿فَمَنۡ أَبۡصَرَ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ عَمِيَ فَعَلَيۡهَاۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ﴾ [الأنعام: 104].

ترجمه: «پس هركه به‌ديده بصيرت بنگرد به سود خود او، و هركس از سر بصيرت ننگرد به زيان خود اوست، و من بر شما نگهبان نيستم».

گرچه «چشم»، برای تشخیص راه و چاه و دیوار ودرّه، هنگام رفتن و عبور و مرور است، وای «راه» که همیشه کوچه و خیابان نیست که فقط چشم به کار آید!

هم «بصر» لازم است، هم «بصیرت»، ولی کدام یک لازم‌تر؟

هم «کوری» بد است، هم «کوردلی»، اما کدام یک ضایع بارتر و زیان آورتر ؟

از چشم سر چه سود، اگر «چشم دل» کور باشد؟

اگر «بینش» و «بینایی» را باهم داشته باشیم، این همان « نورٌ علی نُور» است.

آب صبر بر آتش خشم!

﴿وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ١٥﴾ [التوبة: 15]. ترجمه: «خشم و كينه دل‌هاى آنان را از ميان برمی‌دارد و خدا توبه هركس را بخواهد مى‏پذيرد و خدا داناى با حكمت است».

﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ [آل عمران: 134] ترجمه: «و خشم خود را فرو می‌برند، و از مردم در می‌گذرند، و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد»

بی‌جهت نیست که غضب را به «شعله سرکش» و «آتش گدازان» تشبیه کرده‌اند. سوزندگی خشم هم نسبت به خود فرد خشمگین است، هم نسبت به دیگرانی که مورد غضب قرار می‌گیرند!

صبر نمودن مثل آبی است که آتش خشم را خاموش می‌سازد! بر عکس، تندی و پرخاش آن شعله را، شعله ورتر می‌کند.

خوشا آنان که با «آب حلم» ، آتش غضب را فرو می‌نشانند.

اول خویش بعد درویش!

﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ٢١٤﴾ [الشعراء: 214].

«و بترسان خويشانت را كه نزديک‌ترند».

﴿... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ...﴾ [البقرة: 83] «... و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بی‌نوایان نیکی کنید».

﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾ [الإسراء: 26]

«و حق خویشاوندان را بپرداز، و (همچنین حق) مسکین، و در راه مانده را (بپرداز)».

نیکی به بستگان و خویشاوندان، جای دوری نمی‌رود.

ثمره احسان و اکرام نسبت به اقوام و عشیره، به خود انسان بر می‌گردد و آنان را به عنوان یک «پشتوانه» و «تکیه گاه» در هنگامه خطر و مواقع نیاز برای ما نگاه می‌دارد.

اگر از «خویشاوندان» خیر به یکدیگر نرسد و همه بازوی یکدیگر نباشند، از بی‌گانگان و «اغیار» چه انتظاری است؟

بال پروازِ هم باشیم، نه قیچی بریدن و چیدن بال و پر!

زکات زینت و زیبایی!

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ﴾ [النور: 31].

ترجمه: «به زنان مؤمنه بگو، كه چشمان خود را از نامحرم بپوشند و فروج خود را از حرام محفوظ بدارند و زينت و آرايش خود را جز آنچه اجباراً ظاهر ميشود بر نامحرم آشكار نسازند».

زیبایی و جمال، نعمتی خدادادی است. عفاف و پاکدامنی و پرهیز از گناه هم، شکرانه و زکات این نعمت به شمار می‌رود.

چه بسیارند آنان که اسیر«چاه زیبایی» خویش‌اند. «عفاف» خویشتنداری در برابر هوس‌ها، جاذبه‌ها، دلفریبی‌ها و وسوسه‌های نفس اماره است.

جمال، هرگز مجوز ارتکاب گناه و افتادن و دامن آلودگی و افکندن دیگران به ورطه فساد نیست.

هرگز مبادا که نعمت، برای ما نقمت گردد!

تمت بالخیر